

بازخوانی سیره حدیثی محمد بن خالد برقی

سید علیرضا حسینی^۱، علیرضا بهرامی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۱/۲ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۲/۹)

چکیده

محدثان قم در ابتدای قرن سوم نقش برجسته‌ای در انتقال میراث حدیثی کوفه به این شهر داشته‌اند. علاوه بر نقل، تبویب و شرح احادیث، بازخوانی معیارهای راویان قمی در پذیرش و نقل احادیث از اهمیت خاصی برخوردار است. محمد بن خالد برقی از بزرگان قم در این دوره است که الگوی تعامل با میراث گذشتگان را تصحیح کرده و تکامل بخشیده است. وی در کنار اعتماد بر ثقات، با نگاه جدید به میراث ضعیفان و قبول روایت ایشان در صورت همراهی قرائن، بنیان نوینی در این روند ایجاد کرده است. در این مقاله ضمن مطالعه میراث روایی وی به شواهد این ادعا پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: برقی، ثقات، محدثان قم، منابع روایی، میراث حدیثی.

۱. نویسنده مسؤل، استادیار دانشگاه قرآن و حدیث: sahosseini@gmail.com.

۲. کارشناس ارشد علوم حدیث

۱- مقدمه

مدرسه حدیثی قم با معیارهای خاصی به دریافت و انتشار میراث حدیثی کوفیان پرداخته است. قم به عنوان شهری شیعی، اصول و مبانی اهل بیت (ع) را از مجموعه تراث کوفه اصطیاد، و بر نقد احادیث منتقل شده اصرار فراوانی دارند.

دقت فوق العاده اصحاب قمی اهل بیت (ع) در میراث‌بانی احادیث ایشان، گاه به منازعات و اختلافاتی منجر شده است. برداشت اولیه از برخی گزارشات فهرستی این گمانه را در ذهن می‌آفریند که تصلب قمی‌ها بر روایات و ستیزه ایشان با مفاهیم انحرافی همچون غلو، جریان‌ی تک صدایی در پی داشته که به کنار نهادن بخشی از میراث حدیثی و پیشگیری از تألیف آن از طرفی و اهتمام به انعکاس انحصاری روایات مطابق این اندیشه، از دیگر سو شده است.^۱

این مقاله در صدد نقد گمانه فوق با تکیه بر مطالعه و دقت در شخصیت تأثیر گذار محمد بن خالد برقی است.

برقی از جمله سرشاخه‌های انتقال میراث حدیثی اصحاب کوفی به قم به شمار می‌رود. تنوع آثار و حجم گسترده روایاتی که او در اختیار داشته است، وی را به عنوان سرسلسه این جریان در کنار حسین بن سعید - و البته بعدها ابراهیم بن هاشم - معرفی می‌کند. برقی به عنوان یک حدیث شناس صاحب اندیشه، بر خلاف جریان غالب آن روز مدرسه قم که هیچ تعاملی با ضعفاء را بر نمی‌تابیدند، ممیزی آثار ایشان و پذیرش بخشی از میراث آنها که اطمینان به انتسابش به معصوم حاصل می‌شود را به عنوان گفتمانی منطقی و عقلانی رهبری می‌کند. وی و فرزندش احمد، اگرچه به روایت از ضعفاء و اعتماد بر مراسیل متهم شده‌اند، ولی میزبانی و دریافت احادیث ضعیفان و حتی غالیان و پالایش آن را کمکی در جهت تقویت میراث حدیثی شیعه معرفی می‌کنند. ایشان مطابق جریان عمومی از پذیرش و نقل مضامین عقیدتی منحرف جریان‌های ضعیف و غالی سرباز زده‌اند و انعکاسی از آن در میراث حدیثی ایشان دیده نمی‌شود، ولی برای رد

۱. نقد شیوه میراث پژوهی قم و تثبیت شخصیت راوی از جمله راه‌های طی شده توسط فهرست‌نگاران شیعه است. به عنوان نك: نجاشی، ۳۸، به رقم ۷۷ (دفاع از حسین بن یزید نوفلی) و ۳۳۳ و ۳۴۸ (دفاع از محمد بن عیسی بن عبید)؛ ابن غضائری، ۱/ ۴۰ و ۸۶؛ طوسی، رجال، ۳۴۶، به رقم ۵۱۶۷ و ۳۶۸، به رقم ۵۴۷۸. نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «نگاه حوزه بغداد به راویان و آراء رجالی قم» به تفصیل به این بحث پرداخته است.

بقیه میراث که خالی از شوب ضعف و غلو است، دلیل موجهی نمی‌بینند. شواهدی از این ادعا در این مقاله جستجو و بررسی شده است.

۲- هویت شناسی

او محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی (نجاشی، ۳۳۵، به رقم ۸۹۸) است. خاندان او اصالت کوفی دارد و پدر وی از کوفه به قم منتقل و در برقه رود سکنی گزیده است. (نک: همو، ۷۶، به رقم) خاندان برقی به عنوان «بیت علم و فقه و حدیث» شناخته می‌شوند و برادران او حسن و فضل، نواده و برادر زاده او نیز از روات عالمان شیعه معرفی شده‌اند. (تفرشی، ۳۱۷/۴ به رقم ۶۵۸؛ اردبیلی، ۱۰۸/۲؛ بحرالعلوم، ۱/۳۳۱؛ حائری، ۳۹/۶، به رقم ۲۶۱۰)

درک دوره سه امام شیعه یعنی امام کاظم، امام رضا و امام جواد(ع) (طوسی، رجال، ۳۶۳، به رقم ۵۳۹۱ و ۳۷۷ و ۵۵۸۵؛ برقی، رجال، صص ۵۰، ۵۴ و ۵۵) از خصایص وی به شمار می‌رود.

رشد و نمو علمی او در قم رقم خورده است و گزارش دقیقی از سفرهای علمی او ارائه نشده، اما روایت مستقیم از مشایخ مهم کوفی از ارتباطات او پرده برمی‌دارد. مجموعه آثار وی در نجاشی به این شرح معرفی شده است: «کتاب التنزیل والتعبیر، کتاب یوم وليلة، کتاب التفسیر، کتاب مکه والمدینة، کتاب حروب الأوس والخزرج، کتاب العلل، کتاب فی علم الباری، کتاب الخطب».

ابن شهر آشوب مازندرانی (ت ۵۸۸ ه.ق) در گزارشی منحصر به فرد کتاب تحت عنوان «التحریر و التبدیل» را به وی انتساب می‌دهد. (ابن شهر آشوب، ۱۰۵) اما احتمال تحریف از «التنزیل و التعبیر»، منتفی نیست.

صدوق و طوسی به روایات او طریق دارند که همه طرق ایشان به وی در من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام و الاستبصار صحیح خوانده شده است. (حلی، ۴۴۰؛ ابن داود، ۳۸۰)

۲-۱- اساتید و شاگردان

مطالعه شخصیت محمد برقی در منابع حدیثی نشان می‌دهد وی بیشترین حجم دریافت روایات در کتب اربعه را به ترتیب از وهب بن وهب، نصر بن سويد، سعد بن سعد

اشعری، عبدالله بن مغیره بجلی، محمد بن سنان، قاسم بن عروه و محمد بن ابی عمیر داشته است. به غیر از وهب بن وهب که ضعیف و کذاب خوانده شده است و قاسم بن عروه و محمد بن سنان که علی رغم گفتگوهای درباره ایشان، قابل دفاع هستند؛ باقی مشایخ او در درجه بالایی از وثاقت قرار دارند. (حلی، همانجا) در مورد شاگردان برقی نیز می توان گفت قریب به تمام میراث روایی او در کتب اربعه به فرزندش احمد و احمد بن محمد بن عیسی اشعری منتقل شده است. در منابع حدیثی مدرسه قم از جمله آثار صدوق، نام راویانی همچون ابراهیم بن اسحاق، ابراهیم بن هاشم، بکر بن صالح رازی، علی بن ابراهیم معلی، علی بن مهزیار، محمد بن اورمه، محمد بن عبدالجبار، محمد بن علی کوفی، محمد بن عیسی دامغانی و هیثم بن ابی مسروق نهی نیز دیده می شود.

۲-۲- نقل مستقیم از امام

تستری در قاموس بر این باور است که از وی روایتی مستقیم از امامان معصوم در کتب اربعه و غیر آن نیافته است. (۹/ ۲۴۹ - ۲۵۲، به رقم ۶۶۷۹) این در حالی است که آیت الله خویی فقط دو روایت را به نقل مستقیم او از امام در کتب اربعه منتسب می داند. (۶۷/ ۱۱۶، به رقم ۱۰۶۸۸) و روایتی دیگری نیز از حضرت جواد(ع) در کتاب "عیون اخبار الرضا" به چشم می خورد. پس مجموع روایات مستقیم او از امام به عدد سه می رسد. با توجه به آنکه روایات وی در کتب اربعه مکاتبه است، تنها یک احتمال در توجیه فرمایش مرحوم تستری باقی می ماند و آن نقل مستقیم شفاهی است. لکن اشکال بر ایشان نسبت به سایر منابع به قوت خود باقی است. این سه روایت در مورد زکات (کلینی، ۳/ ۵۵۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۴/ ۹۵؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۲/ ۳۲)، بطلان امامت واقفیان در نماز (طوسی، تهذیب الاحکام، ۳/ ۲۸؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱/ ۳۷۹) و فضائل علی(ع) (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱/ ۲۸۱) است.

۳- شخصیت شناسی

نجاشی او را «ضعیفاً فی الحدیث و کان ادیباً حسن المعرفة بالأخبار و علوم العرب» (همانجا) معرفی می کند، شیخ طوسی او را ثقه می خواند، (طوسی، رجال، ۳۶۳، به رقم ۵۳۹۱) ولی ابن غضائری با عبارت «حدیثه یعرف و ینکر، یروی عن الضعفاء کثیراً و

يعتمد المراسيل» (ابن غضائری، ۱/ ۹۳، به رقم ۱۳۲) به شخصیت او خرده می‌گیرد.^۱ غالب رجالیان دیگری که نام وی را ذکر کرده‌اند توثیق شیخ را مقدم داشته و عبارت «یروی عن الضعفاء» را متوجه شخصیت وی نمی‌دانند. علامه حلی در «خلاصة الأقوال» می‌نویسد: «و الاعتماد عندی علی قول الشیخ ابی جعفر الطوسی». (۱۳۹)

ریشه یابی تعامل دوگانه صاحبان منابع رجال با شخصیت او نشان می‌دهد سه عامل نظریه پرداز و صاحب اندیشه بودن وی، تعامل با ضعیفان و غالیان و اتهام به اعتماد بر مراسیل از جمله عوامل تضعیف او به شمار می‌رود.

۳-۱- برقی، نظریه پرداز و صاحب اندیشه

گونه نقل روایات و گوناگونی شاگردان وی نشان می‌دهد او صاحب اندیشه و فکر بوده است و تنها به نقل روایت بسنده نکرده است. انتشار روایات او در ابواب متعدد و عناوین اصلی مباحث امام شناسی در مصدر اصلی این بحث یعنی کتاب الحجج کافی و بصائر می‌تواند شاهد این مدعا باشد. شواهد دیگر این ادعا نیز در پی خواهد آمد.

بی‌تردید مهم‌ترین عنصر در استمرار خط انتقال معارف اهل بیت، اعتماد راویان بر صحت انتساب روایات به مصدر اصلی آن یعنی امام معصوم است. همواره مسیر اصلی این میراث با مواظبت و گاه وسواس اصحاب ایشان همراه بوده است. مطالعه منابع فهرستی، از حقیقت اقبال راویان و محدثان بر مسیری که به لحاظ تاریخی کمتر دچار لغزش شده و به لحاظ بنیان‌های دینی کمتر در معرض انحراف است، پرده بر می‌دارد.

۱. ناگفته نماند، سید بحر العلوم (ت ۱۲۱۲ ه.ق) در کتاب «الفوائد الرجالیة» ذیل ترجمه ایشان، ضمن نقل روایتی از عیاشی در قدح وی به نقد اتهام وقف نسبت به محمد بن خالد برقی پرداخته است. نک: عیاشی: ج ۱/ ۲۰۳، ذیل تفسیر آیه ۱۵۹ آل عمران؛ بحر العلوم، ۱/ ۳۴۸. به گمان نگارنده این نسبت نمی‌تواند به برقی باشد چرا که اولاً: این عنوان به تصریح بزرگان رجال مشترک بین جماعتی است و یکسانی طبقه او با محمد بن خالد اشعری و محمد بن خالد الطیالسی ثابت است و نجاشی راجع به محمد بن خالد اشعری عبارت «قریب الأمر» (۳۴۳، به رقم ۹۲۵) آورده که با گزارش عیاشی سازگاری بیشتری دارد. توضیح این نکته ضروری است که مجموعه گزارشات فهرستی واژه قریب الأمر نشان می‌دهد، راوی در یکی از دو حیطة اخذ و نقل حدیث یا اعتقاد به ائمه اثنی عشر (اعتقاد به ائمه تا امام عصر راوی) جدید العهد بوده است. به عنوان نمونه نک: نجاشی، ۱۴۸، به رقم ۳۸۶ (حرب بن حسن طحان) و ۱۶۵، به رقم ۴۳۵ (ربیع بن سلیمان بن عمرو)؛ طوسی، فهرست، ص ۲۷۳، به رقم ۳۹۲ (علی بن حسن بن فضال).

این اقبال، از سویی گرایش به خط فقه مدار و از دیگر سو تمایل به گروههای مصلحت اندیش را تقویت می‌کند. نمونه‌هایی از این حساسیت‌ها عبارتند از:

۱- نجاشی در ترجمه محمد بن عبدالله بن محمد می‌گوید: «این شیخ را دیدم و روایات زیادی از او شنیدم، سپس نسبت به نقل روایت از او توقف کردم مگر با واسطه‌ای میان من و او». (نجاشی ۳۹۶، به‌رقم ۱۰۵۹)

۲- همو در ترجمه حسین بن سعید اهوازی می‌نویسد: «ابن نوح گفت: "و این طریق غریب است که ثبت آن را مگر به نقل ابوالعباس دینوری نیافتیم. پس لازم است هر نسخه از کتاب فقط بر اساس نقل صاحب طریق روایت شود، و نباید روایتی (از یک نسخه) بر روایت نسخه دیگر، و نسخه‌ای از کتاب بر نسخه دیگرش حمل شود، تا اختلافی در کتاب و نسخه‌ها و روایاتش ایجاد نشود"». (همو، ۶۰، به‌رقم ۱۳۷)

۳- نیز در ترجمه ایوب بن نوح بن دراج نخعی می‌نویسد: «ایوب از جماعتی از اصحاب امام صادق (ع) روایت نقل کرده است، اما هیچ روایتی از پدر و عمویش نقل نکرده است». (همو، ۱۰۲، به‌رقم ۲۵۴)

ریشه‌یابی این جمله نشان می‌دهد که نوح بن دراج علی‌رغم وثاقت و صحت اعتقاد (نک: نجاشی، ۱۲۶، به‌رقم ۳۲۸ و حلی، ص ۱۳)، تنها به جهت آنکه «کان قاضیاً فی الکوفه» و «کان یخفی امره» مورد احتیاط و عدم انتقال میراث حتی از جانب فرزندش شده است.

پذیرش این رویه به عنوان اصل مورد قبول و عمل راویان نشان می‌دهد مخالفت با این جریان عواقب سنگینی را در پی خواهد داشت. رصد تراث برقی نشان می‌دهد در مقابل این مشی، وی نگاهی توسعه‌ای به روایت مشایخ دارد و به جای مصلحت اندیشی که ثمره حفظ و تقویت شخصیت راوی را در پی دارد، حفظ میراث و پی‌جویی قرائن پذیرش و نقل روایات را در اولویت قرار می‌دهد.

باورمندی راویان آثار بر صحت انتساب مفاد احادیث به امام معصوم، اساسی‌ترین عنصر در اعتماد به یک راوی و انتقال میراث حدیثی و مکتوب او به شمار می‌رود. ایشان در نقل حدیث نیز بر مدار وثوق به صدور حرکت می‌کنند، و گاه پس از وثوق به صدور روایت، از برنتابیدن فضای عمومی جامعه به جهت ضعف یا کثرت اعتقادی راوی چشم‌پوشی می‌کنند.

این روال به وضوح در گزارش نجاشی از موضع ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی و برخورد کوفیان با کتاب المعرفه او که مشتمل بر مناقب معروف و البته مثالب است، دیده می‌شود. بر پایه این گزارش کوفیان انتشار این کتاب را بزرگ خواندند و او را از آن منع کردند. وی به انتشار این کتاب در اصفهان - که دورترین نقطه از مرکز اعتقادی شیعیان به شمار می‌رفت^۱ - کمر همت می‌بندد. این هجرت تنها به جهت یک نکته است، و آن «ثقة منه بصحة ما رواه فيه». باور او بر صحت مفاد کتاب است و انتساب آن را تمام می‌داند، پس به انتشار آن همت می‌گمارد. (نجاشی، ۱۷، به رقم ۱۹)

نیز برخورد عیاشی با اسحاق بن محمد بصری مؤید همین نکته است. ایشان علی رغم آنکه ابویعقوب اسحاق بن محمد بصری را غالی می‌خواند و احادیثی که او از مفضل بن عمر در تفویض عرضه می‌کند را برنمی‌تابد، اما هنگامی که احادیث استنساخ شده او از ثقات را می‌بیند، به اخذ و روایت آن می‌پردازد و در نهایت گزارش او را «حفظ من لقیته» می‌خواند. (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۵۳۰، به رقم ۱۰۱۴)

رفتار شناسی بزرگان شیعه در قم نیز نشان می‌دهد ایشان عنصر اطمینان به محتوای روایات را عنصری محوری در اعتماد به راویان و روایاتشان می‌دانستند. به عنوان نمونه می‌توان به اعتماد محمد بن خالد برقی و فرزندش به میراث محمد بن علی ابوسمینه و یا وهب بن وهب و حتی قاسم بن عروه از سویی، و نقل گسترده روایات محمد بن خالد برقی و محمد بن سنان توسط احمد بن محمد بن عیسی اشعری از دیگر سو، اشاره کرد.

فارغ از مباحث ذکر شده تعقیب چرایی روایت از ضعفاء و دقت در مفهوم «پیروی عن الضعفاء کثیراً» به روشن شدن زوایای بحث کمک می‌کند.

از این نکته نمی‌توان گذشت، اگر این حجم از روایت از ضعفایی همچون وهب بن وهب یا ابن سنان به این نسبت می‌انجامد، و یا روایت احمد بن محمد خالد برقی از محمد بن علی ابوسمینه، او را در این زمره می‌گنجانند؛ قضاوت در مورد گستردگی غیر قابل مقایسه روایت احمد اشعری از محمد بن سنان چگونه خواهد بود؟

۱. طبیعی است که انتشار چنین کتابی که مشتمل بر مثالب است به تهدید و آسیب جامعه شیعی می‌انجامد. از رهگذر این نکته احساس خطر جامعه کوفه از طرفی، و انتخاب شهر اصفهان توسط ابراهیم ثقفی آشکار می‌شود.

بر اساس گزارش نجاشی، محمد برقی و فرزندش احمد به نقل از ضعفاء منتسب شده‌اند، اما احمد اشعری از این انتساب مبرا است. پی‌جویی علت این تفاوت احتمالاتی را در ذهن می‌آفریند:

۱- معیار نجاشی در مورد برقی‌ها چیزی غیر از معیار قضاوت درباره احمد اشعری باشد.

۲- برقی و اشعری دو انگاره متفاوت از ضعفاء و اعتماد بر میراثشان داشته‌اند و این انگاره به دو فرآیند متفاوت در پذیرش یا رد روایات ضعفاء منتهی شده است.

۳- نوعی قصور در اطلاع رسانی منابع فهرستی وجود داشته است، و حجم گسترده روایات اشعری از محمد بن سنان و محمد بن خالد مغفول واقع شده است.

در بررسی احتمالات فوق، احتمال اول پذیرفتنی نیست، چرا که اثبات مشی متفاوت نیازمند دلیل محکمی است که دشوار می‌نماید و سرانجامش به تزلزل میراث حدیثی و مسیر انتقال آن منتهی می‌شود و با سیره و مشی ائمه و اصحاب خواص ایشان در عرضه و نقد احادیث متعارض است. گرچه نمی‌توان بازتاب شخصیت این دو نفر در فضای عمومی شیعه، که متأثر از نگاه متفاوت به اخذ و انتقال حدیث است، صرف نظر نمود. احتمال سوم نیز اگرچه بعید به ذهن نمی‌آید، اما ثمره‌ای جز ابهام‌آفرینی ندارد. به خلاف احتمال دوم که از شواهد متعدد تاریخی و مهم‌تر از آن فهرستی و روایی برخوردار است.

از این نکته نمی‌توان چشم پوشید که سردمداری اشعری در مبارزه با غلو و پیش روی تا اخراج محدثان بزرگ از پشتوانه حمایت قاطع جریان‌های عمومی و غالب نزد مردمان آن دوره برمی‌دارد. این نکته از تفاوت جایگاه محدثی که در پی انتساب روایات به معصوم و انتشار آن است، با اشعری که هدایت جامعه شیعه و نظریه پردازی حرکت ایشان را بر عهده دارد، نشان می‌دهد.

اگرچه در مقام قضاوت یا خرده‌گیری بر اشعری نیستیم لکن تذکر این نکته ضروری است که بازگشت او از نقل روایات حسن بن محبوب، تغییر دیدگاه او نسبت به یونس بن عبدالرحمن^۱ و احمد برقی با نگاه خوش‌بینانه نشانه‌هایی از شتابزدگی احمد اشعری

۱. این نکته مخفی نیست که اتهام وی به یونس فراتر از قواعد علمی و حدیثی بوده و استغفار و توبه وی نیز حکایت از همین نکته است. نک: طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۴۹۶، به‌رقم ۹۵۲.

در قضاوت راجع به راویان از سوپی و وجود مؤلفه‌های خاص حاکم بر جامعه شیعه و مصلحت اندیشی ایشان در جهت حفظ و هدایت جامعه از سوی دیگر حکایت می‌کند. او تنها ابزار اعمال این مصلحت را در طرد بزرگانی از حدیث شیعه می‌بیند.

بر این باور هستیم که این نوع مصلحت اندیشی در نگاه برقی نیست. گو آن‌که، این نگره توسعه‌ای به هیچ وجه به معنای اباحی‌گرایی در نقل روایات نیست و شواهد تأکید بر نقل تراث صحیح و اعتماد وی بر میراث معتبر در پی خواهد آمد.

۳-۲- تعامل برقی با ضعیفان و غالیان

روایت نسخه کتاب اصرم بن حوشب بجلی که عامی اما ثقه است (نجاشی، ۱۰۷، به رقم ۲۷۱) و عبدالملک بن هارون بن عنتره شیبانی که «لم یکن متحققاً بأمرنا» خوانده شده، (همانجا، ۲۴۰، به رقم ۶۳۷) و انحصار روایت کتابشان از جانب برقی نشان از تعامل وی با اهل سنت دارد. این تعامل به نوبه خود، هر راوی را در مظان مخالفت قرار می‌دهد. نیز روایت کتاب ابوطالب ازدی که در زمره ضعفاء جای می‌گیرد و نجاشی درباره او می‌نویسد: «اصحاب ما گفته اند: او تنها از جهت محمد برقی شناخته می‌شود» (همو، ۴۵۹، به رقم ۱۲۵۵) از تعامل او با ضعفاء و مجهولین پرده برمی‌دارد.

رصد روایات او در کتب اربعه نیز نشان می‌دهد او بالغ بر ۸۱ روایت از وهب بن وهب قرشی (ابوالبختری) و ۵۴ روایت از محمد بن سنان دارد.

وهب بن وهب که دارای منصب قضاء از طرف هارون الرشید بوده با عباراتی چون «کان کذاباً و له احادیث مع الرشید فی الکذب» (نجاشی، ۴۳۰، به رقم ۱۱۵۵)، و «ضعیف لایعول علی ما ینفرد به» (طوسی، فهرست، ۳۰۳) و «کذاب عامی الا ان له عن جعفر بن محمد احادیث کلها لا یوثق بها» (ابن غضائری، ۱۰۰/۱) توصیف شده و دفاع از وی سخت می‌نماید. اما روایات برقی از او در حیطة عقاید به عدد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد و عمده روایاتش در حوزه فقه است.

شخصیت جنجالی محمد بن سنان و قضاوت‌های چندگانه اصحاب رجال نسبت به او نیز معروف است. وجود روایات غیبت در میراثی که محمد بن خالد برقی از محمد بن سنان نقل کرده نیز سؤالات و ابهاماتی را در ذهن می‌آفریند که احتمال انتساب ضعف به او به جهت نقل چنین روایاتی را قوت می‌بخشد.

میزان قوت این انتساب برای خرده‌گیری بر برقی گذشت.

۳-۳- برقی و اعتماد بر مراسیل

این نسبت را نیز ابن غضائری مطرح نموده و از جمله نقاط ضعف وی شمرده است. در اهمیت این اتهام همین بس که آیت‌الله خوبی در توجیه ترجیح علامه مبنی بر پذیرش قول شیخ و عدم اعتناء به فرمایش نجاشی معتقد است، کلام نجاشی تصریح در تضعیف او نیست و به جهت اعتماد او بر مراسیل و نقل روایات ضعیف او را «ضعیف فی الحدیث» خوانده است. و آن گاه نتیجه می‌گیرد توثیق شیخ بدون معارض باقی می‌ماند. (خوبی، ۶۷/۱۶) در مقام پاسخ به این اتهام یاد شده به دو محور خواهیم پرداخت.

محور اول: قوت اتهام اعتماد بر مراسیل

این انتساب در رابطه با بزرگانی از اصحاب امامیه از جمله محمد بن ابی عمیر - گرچه قطع به وجود اسناد در مراسیل او داریم - ، احمد بن محمد خالد برقی، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری و حسن بن محمد بن جمهور نیز مطرح شده است. اعتماد بر مراسیل اگر به عنوان یک منهج اجتهادی راوی در فهم و نقل احادیث باشد، نمی‌تواند به عنوان ایراد بر راوی مطرح شود. علاوه بر آنکه تصریح به ارسال از جانب راوی، اشکال تدلیس را نیز مرتفع می‌سازد. محمد بن حسن بن زین الدین (ت ۱۰۳۰ ه.ق) نویسنده «استقصاء الاعتبار» در این باره می‌نویسد:

«گاهی به ذهن چنین می‌رسد که اعتماد بر مراسیل شایسته قدح شمردن نیست، چرا که مرجع این اعتماد اجتهاد راوی است. مگر آن که گفته شود مراد از اعتماد بر مراسیل، نقل مرسل روایت بدون بیان است که نوعی تدلیس به شمار می‌رود و موجب قدح اوست. در پاسخ می‌گوییم علماء درایه روایت بر اساس اجازه را بدون آوردن لفظ اجازه جایز شمرده‌اند. پس مضر بودن ارسال در حق راوی از بر اساس شیوه خاص او باشد محل تأمل است». (۴۸/۱ و ۴۹)

وی این نکته را در مواضع متعددی از کتابش و هنگام یادکرد محمد بن خالد و پسرش احمد و نیز محمد بن احمد اشعری تکرار می‌نماید. (همو، ۹۵/۱ و ۹۶ و ۸/۳) پس طبق این اندیشه - که ارسال را با قوت احتمال اعتماد مخل به صحت نمی‌بیند - هدف اتصال سند - یعنی اعتماد بر صدور و صحت انتساب به معصوم - تأمین

می‌شود. این به معنای سهل‌گیری راویان نیست، بلکه شیوه گروهی از ایشان را نشان می‌دهد.

محور دوم: حجم ارسال در تراث برقی

در جدول ۱ مرسلات برقی در مهم‌ترین منابع، برای نقد اتهام ارسال آورده شده است.

جدول ۱

درصد	حوزه ارسال			اعتماد بر مراسیل دیگران	مرسلات برقی	مجموع روایات برقی	منبع
	اخلاق	فقه	عقاید				
۰/۲۱٪	*			۲	۲	۸۶۸	محاسن
۴/۵٪	۱	۱۰	۱۳	۱۱	۱۴	۵۴۴	کافی
۲/۱۹٪		*		۳	۵	۳۶۴	تهذیب
۳/۰۹٪			*	۱	۲	۹۷	بصائر

مطالعه روایات محمد برقی نشان می‌دهد او در همه مواردی که ارسال حدیث کرده از الفاظی همچون «رفعه»، «عمن نکره» و «عمن حدثه» آورده است. پس ارسال او نمی‌تواند مصداق تدلیس باشد.

علاوه بر این، ملاحظه جدول فوق نشان می‌دهد بیشترین حجم گزارش ارسال در کافی است که خود بر فرض صحت روایات و صدور مفاهیم آن تنظیم شده است.

جمع‌بندی مباحث پیش گفته نشان می‌دهد دو اتهام عمده بر برقی، انعکاس فراگیری در منابع ندارد. گرچه همین اتهامات - به ویژه نقل از ضعفاء - جایگاه او را نزد هم طرازانش تضعیف کرده است.

حجم روایات احمد اشعری از مشایخ عمده برقی در کتب اربعه و گونه نقل مستقیم و با واسطه او در جدول ۲ منعکس شده است.

جدول ۲

نام راوی	روایات بی واسطه	روایات با واسطه اشعری از وی		نام راوی	روایات بی واسطه	روایات با واسطه اشعری از وی	
		دیگران	واسطه برقی			دیگران	واسطه برقی
وهب بن وهب	-	۱۱	-	محمد بن سنان	۳۵۲	۹	۲۲
نضر بن سوید ^۱ *	۳	۴۷	۲۴۳	قاسم بن عروه	-	۳۴	۲۸
عبدالله بن مغیره	۱۱	۳۱	۵۵	محمد بن ابی عمیر	۴۲۰	۱۹	۱۰۵

توجه به آمار فوق و دقت در تراث راویانی همچون قاسم بن عروه و حسین بن یزید نوفلی که کاملاً فقهی است و مقایسه آن با تراث شخصیتی همچون وهب بن وهب نشان از اختلافات عقیدتی میان برقی و جریانی است که احمد اشعری به آن تعلق دارد. مقایسه آمار دو جدول فوق این نتیجه در ذهن نگارندگان بسیار قوی می نماید که اعتماد شخصیتی همچون احمد اشعری در میراث عقیدتی نیز بر پیروی از خط فقه مداری است که به نقل عقاید نیز می پردازد. این ادعا در بازخوانی احادیث اشعری^۲ در

۱. نقل مستقیم اشعری از راویانی که با علامت * مشخص شده اند با ملاحظه طبقه ایشان ممکن نیست. محققان احتمال واسطه حسین بن سعید را قوی دانسته اند.

۲. ذکر یک نکته ضروری به نظر می رسد، به باور بسیاری از محققان عنوان احمد بن محمد در صدر روایات کتاب بصائر منصرف به احمد بن محمد بن عیسی اشعری است نه احمد بن محمد بن خالد برقی، چه آنکه برخی اشهر و اظهر را در انصراف به احمد اشعری می بینند. (کنی، ۹۸) سه دلیل در این میان قابل ذکر است:

الف) اثبات روایت مستقیم احمد برقی از حسین بن سعید مشکل می نماید، در حالی که فراوانی نقل احمد بن محمد از حسین بن سعید در بصائر به چشم می خورد. (این عدد بالغ بر ۱۸۸ مورد است)

ب) اصرار بر تعبیر از احمد برقی به احمد بن ابی عبدالله و احمد بن محمد بن خالد در اسناد دیده می شود، این در حالی است که فراوانی نامکرد احمد اشعری با احمد بن محمد و احمد بن محمد بن عیسی است.

ج) اشتراک در عصر و طبقه، راویان را ملزم می سازد قرینه تمییز را ذکر کنند پس عدم قرینه نشانه انصراف به راوی مشخص است.

کتاب بصائر الدرجات نیز دیده می‌شود. مشایخ اشعری در بصائر و عدد روایات او از ایشان در جدول ۳ منعکس شده است.

جدول ۳

ردیف	نام راوی	عدد روایات	درصد	ردیف	نام راوی	عدد روایات	درصد
۱	حسین بن سعید اهوازی	۱۸۳	۳۶/۳	۸	ابن ابی عمیر	۱۱	۲/۱۸
۲	علی بن حکم	۶۳	۱۲/۵	۹	عمر بن عبدالعزیز	۱۲	۲/۳۸
۳	حسن بن محبوب	۳۳	۶/۵۴	۱۰	محمد بن اسماعیل بزيع	۹	۱/۷۸
۴	محمد بن خالد برقی	۳۱	۶/۱۵	۱۱	حسن بن علی و شاء	۸	۱/۵۸
۵	محمد بن سنان	۲۴	۴/۷۶	۱۲	عبدالله بن محمد حجال	۷	۱/۳۸
۶	احمد بن ابی نصر	۱۶	۳/۱۷	۱۳	علی بن نعمان	۷	۱/۳۸
۷	حسن بن علی بن فضال	۱۴	۲/۷۷	۱۴	راویان کم - روایت و محتمل شتراک (۵۱) عنوان)	۸۶	۱۷/۰۶

توجه به عناصر ابتدایی این جدول نشان می‌دهد اشعری برای دسترسی به روایات اعتقادی مسیری را برگزیده است که شخصیتشان خالی از هرگونه شائبه‌ای باشد، به گونه‌ای که افزون بر ۵۵٪ روایاتش را از سه نفر اول که وثاقت بی معارض^۱ دارند، نقل کرده است.

۱. البته به جز نظری که خود او راجع به روایات حسن بن محبوب از ابو حمزه ثمالی داشت و از آن برگشت.

نکته حائز اهمیت در این بین آنکه کتاب‌های معروف سی‌گانه حسین بن سعید را هم احمد اشعری و هم احمد برقی انتقال داده‌اند اما عبارت نجاشی در مورد طریقی به کتاب‌های وی به واسطه احمد اشعری - که آن را طریقی پذیرفته شده اصحاب و مورد اعتماد معرفی می‌کند - (نجاشی، ۵۹) نشان از عنصر سرنوشت‌ساز سکون اصحاب بر احمد اشعری و نقل او دارد. نیز حضور او در انتقال همه میراث محمد برقی (طوسی، فهرست، ۴۱۸) و پرهیز از تعصبات بر فرض قوت انتساب به معصوم،^۱ نشان از وجود دو نکته دارد. یکی آنکه حجم عظیمی از میراث راویان شیعه و محدثان کوفه در اختیار او بوده است و دیگر آنکه - در فرض اشتراک مفاد - طریقی روایات جریان فقه مدار بر خط فکری محمد برقی نزد وی ترجیح دارد.

باور نگارنده بر این است که مطابق جداول فوق خط مشی برقی با نگاهی توسعه‌ای به میراث حدیثی گروه‌های مختلف راویان، بر یافت قرائن اعتماد استوار گشته و به همین جهت نقل میراث مورد اعتماد متهمان به غلو را خرده‌ای نمی‌بیند. در حالی که در نقطه مقابل اندیشه احمد اشعری بر ستیزه و کنار نهادن آن به عنوان اصل اولی است که هر انگشت اتهامی را از راوی دور می‌کند. مراجعه به روایات برقی از وهب بن وهب این نکته را واضح می‌سازد چراکه برقی نیز مانند سایر اعلام به تراث عقیدتی او اعتنا نکرده است و تنها دو روایت در اصول کافی و دو روایت در بصائر از او نقل کرده است، اما نقطه مقابل او به میراث فقهی او توجه داشته و رد کلی را پیش نگرفته است.

۴- میراث شناسی

یکی از شاخصه‌های مهم در بازخوانی شخصیت روایی و کلامی یک راوی، میراث شناسی اوست.

توجه به آثار محمد بن خالد برقی نشان می‌دهد او در هر حوزه‌های متنوعی که نجاشی نیز در شخصیت شناسی او ذکر کرده، فعالیت علمی داشته است. سه کتاب «یوم و لیلۃ»، «العلل» و «الخطب» حائز عناوین پرتکرار آثار اصحاب امامیه به شمار می‌روند و

۱. داستان اعراض او از روایات ابن محبوب و بازگشت از آن قرینه این مطلب است. طوسی،

اختیار معرفة الرجال، ۵۱۲؛ نجاشی، ۸۲.

بیانگر مباحث اخلاقی و آداب و اعمال می‌باشند. حضور او در علوم قرآن و تفسیر آن نیز با دو عنوان «التنزیل و التعبير» و «التفسیر» شناخته می‌شود. کتاب «مکة و المدینه» و «حروب الاوس و الخزرج» و نقل کتب نصر بن مزاحم (طوسی، فهرست، ۲۵۴ و ۲۵۵، به رقم ۷۷۳) از تسلط وی بر مباحث تاریخی حکایت می‌کند و عبارت نجاشی که او را «حسن المعرفة بالأخبار» می‌خواند، مؤید این مطلب است. نیز نگارش کتاب در موضوع دقیق «علم الباری» - که از عناوین منحصر به فرد در آثار به شمار می‌رود - نشان از تبحر وی در مباحث عمیق عقیدتی دارد.

در این بخش ضمن بررسی حضور محمد بن خالد برقی در انتقال میراث شیعه به عنوان ملاکی در انعکاس حضور او در تدوین منابع و جوامع، به مطالعه و دقت میزان روایات و تنوع آن در منابع حدیثی - کلامی شیعه خواهیم پرداخت.

۴-۱- حضور در انتقال میراث شیعی

حضور گسترده وی در انتقال میراث صاحبان آثار شیعی قابل توجه است. فهرست ابوغالب، ابن بابویه و ابن بطله مجاری انتقال این حضور به دو فهرست مشهور در دسترس ما یعنی نجاشی و طوسی هستند. شمارگان راویان و صاحبان آثاری که محمد برقی در انتقال میراثشان به قم حضور داشته، در نجاشی بالغ بر ۳۴ نفر و در فهرست طوسی ۴۹ نفر است که شمار قابل توجهی از بزرگان اصحاب را در برمی‌گیرد.

۴-۲- نقل میراث راویان ثقه

انعکاس میراث معتبر شیعه در مجموعه روایات یک راوی و اهتمام وی بر نقل مصنفات بزرگان مورد وثوق بر اعتبار وی می‌افزاید. در این بخش به بررسی شخصیت و میراث راویانی می‌پردازیم که برقی در طریق نقل آثار ایشان قرار دارد و از جانب مهم-ترین راوی پژوه شیعه یعنی احمد بن علی نجاشی (۳۷۲-۴۵۰ هـ) تصریح به وثاقت او شده است. نکته قابل توجه اینکه در بررسی راویان به کسانی توجه شده که علی‌رغم دو خصیصه فوق دارای حجم معتنا بهی از روایات هستند و برقی در طریق نقل روایات و کتب همه ایشان قرار دارد. سپس به میزان روایات محمد بن خالد برقی از ایشان می‌پردازیم تا حجم روایات او از ثقات روایت و تألیف شناخته شود. نکته مهم‌تر آنکه از این گزارش به انعکاس میزان توجه خاص صاحبان جوامع به میراث مورد اعتماد او نیز خواهیم رسید.

أ - حدید بن حکم

همه روایات او از امام صادق (ع) است و کتاب او را محمد برقی نقل کرده است. نجاشی او را «ثقة وجه متکلم» می‌خواند. متکلم بودن وی از نشانه‌های کم روایتی اوست. همه هفت روایت او در کافی به نقل از احمد اشعری و احمد برقی اما نه به واسطه محمد بن خالد منتقل شده است.

ب - زکریا بن آدم بن عبدالله

او را نجاشی «ثقة جلیل عظیم القدر و کان له وجه عند الرضا (ع)» معرفی می‌کند. او نیز به جهت تصدی منصب وکالت، به عنوان راوی کم روایت شناخته می‌شود. بیشتر روایات وی از امام رضا (ع) است اما محمد بن خالد در طریق کتاب مسائل او از ایشان نیست، و تنها ۳ روایت از ۸ روایت او در کافی را برقی نقل کرده است.

ت - سعد بن سعد الأحوص

غالب تراث سعد فقهی است. او نیز ثقة است و بیشتر روایاتش را محمد بن خالد نقل کرده است. برقی ۲۵ روایت از ۳۳ روایت سعد در کافی، ۲۶ روایت از مجموع ۴۴ روایت وی در تهذیب، و در محاسن ۲ روایت از وی نقل کرده است. تنها در کتاب بصائر، عباد بن سلیمان گوی سبقت را از برقی ربوده و ۱۷ روایت از سعد نقل کرده است.

ث - عبدالملک بن هارون بن عنتره

او با عبارت بلندی توثیق شده است، اما مشکلی در او باعث شده هیچ انعکاسی از روایات او در کتب اربعه نباشد. به تصریح نجاشی او «کوفی ثقة عین، لم یکن متحققاً بأمرنا» معرفی شده است. صدوق دو روایت برقی از وی را در کتب خویش آورده است. روایت اول در توحید و «باب القضاء و القدر و الفتنة و الأرزاق و الأسعار و الآجال» است که حکایت از اصرار راوی بر فهم قدر و هدایت قدم به قدم امیرالمؤمنین (ع) در روشن ساختن حقیقت قدر برای اوست. (صدوق، التوحید، ۳۶۵، ح ۳) روایت از او در کمال الدین دلالت بر جمع کمالات انبیاء در امام علی (ع) دارد. (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲۵/۱)

ملاحظه این دو روایت نشان می‌دهد، برقی ضمن توجه به شخصیت عبدالملک روایاتی از وی نقل می‌کند که پذیرش آن اگر به تنزیه وی منجر نشود، به حکم اقرار مخالف خالی از اشکال است. این خود نشان از دقت برقی در تعامل با میراث حدیثی

راویان دارد. از همین جا می‌توان به معناداری روایت او از ضعیفانی همچون وهب بن وهب نیز پی برد.

ج - علی بن محمد ابوقتاده قمی

اگرچه عدد روایات وی در کتب اربعه به ۴۱ روایت - با احتساب روایات تکراری - می‌رسد اما برقی تنها یک روایت از او در کتاب مجالس دارد. احمد اشعری ۲ روایت از او در کتب اربعه و احمد برقی ۷ روایت در مجالس شیخ از او نقل کرده‌اند. این احتمال در ذهن قوت می‌گیرد که روایات در اختیار او به جهت هم طبقه بودن با محمد بن خالد از طرق دیگری به دست وی رسیده و نقل شده باشد.

ح - عمرو بن ابراهیم ازدی

عبارت «کوفی ثقة» در حق وی با ملاحظه کم روایتی او و گزارش ۳ روایت در کافی و ۲ روایت در محاسن از جانب برقی نشان از اعتنای او به راویان ثقة اما کم روایت دارد.

خ - احمد بن نصر خزاز

تمام ۱۲ روایت او در محاسن را محمد بن خالد نقل کرده است، اما هیچ یک از ۵ روایت او در بصائر را وی نقل نکرده است. در کتاب شریف کافی او ۶ روایت از احمد دارد که از عدد ۴ روایت محمد بن عبدالجبار و ابراهیم بن هاشم بیشتر است. ناگفته نماند ۳۳ روایت او در این کتاب را محمد بن سالم که مصاحب او بوده نقل کرده است.

د - هارون بن جهم

محمد بن خالد برقی ۱۲ روایت از ۱۳ روایت او در محاسن را نقل می‌کند. وی که «کوفی ثقة» خوانده شده است و صبغه روایانش اخلاقی است ۱۲ حدیث از ۲۵ روایتش را برقی نقل کرده است.

ذ - حفص بن بختری

اکثر روایات او را که اصلی کوفی دارد و در بغداد رشد یافته محمد بن ابی عمیر نقل کرده است. هر ۷ روایت برقی از او در محاسن و نیز تنها روایتش در بصائر به واسطه ابن ابی عمیر است. مرحوم کلینی در نقل احادیث حفص بر طریق «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر» اعتماد کرده است و تعداد ۷۹ روایت از مجموع ۱۲۲ روایت او را با این سند آورده است.

ر - خلف بن حماد اسدی

او نیز «کوفی ثقة» خوانده شده و حجم گسترده روایات او - که بیشتر فقهی است - در منابع حدیثی به واسطه محمد بن خالد، محمد بن سنان و عمرو بن ابراهیم منتقل شده است. برقی ۸ روایت از او در محاسن، ۶ روایت در بصائر، ۷ روایت در امالی صدوق و ۲۶ روایت - از مجموع ۴۵ روایت او - در کافی از خلف بن حماد دارد.

ز - نضر بن سوید صیرفی

وی از اجلاء اصحاب امامیه به شمار می‌رود و نجاشی او را «کوفی ثقة صحیح الحدیث» می‌خواند. یکی از دو طریق شیخ به کتاب او به این شرح است: «و رواه محمد بن علی بن الحسین عن ابيه و محمد بن الحسن عن سعد (بن عبد الله) و الحمیری و محمد بن یحیی و أحمد بن إدريس عن أحمد بن محمد عن أبي عبد الله محمد بن خالد البرقی و الحسین بن سعید جميعاً عن النضر بن سوید». ویژگی این طریق آن است که تعداد قابل توجهی از سه نسل مشایخ عمده و برجسته قم در آن حاضر هستند. علاوه بر این امتیاز این طریق آن است که هم برقی و هم حسین بن سعید در آن حاضر هستند و انعکاس و اقبال به هر کدام از این دو در مجامع حدیثی قابل بررسی است.

محاسن ۴۶ روایت از مجموع ۵۴ روایت نضر بن سوید را به واسطه محمد بن خالد گزارش کرده است. این در حالی است که بصائر بر طریق حسین بن سعید تکیه بیشتری دارد و ۳۴ روایت او در مقابل تنها ۵ روایت برقی و ۳ روایت مشترک بین این دو (با عطف برقی و حسین بن سعید) قرار گرفته است. در کافی نیز این آمار تکرار می‌شود و برقی در ۲۵ سند و به همراه حسین بن سعید در ۱۹ سند جای دارد،^۱ در حالی که حسین بن سعید به تنهایی در ۱۳۳ سند حضور دارد. گرچه سهم سایر راویان بسیار اندک است که از آن و ابراهیم بن هاشم، علی بن مهزیار و ابن ابی عمیر است. در تهذیب نیز حسین بن سعید ۳۲۷ روایت و برقی تنها ۱۱ روایت از نضر بن سوید دارند.

۱. در دو مورد استثنایی سند روایت بصائر این چنین است: «حمد بن محمد عن الحسين بن سعید عن البرقی عن النضر بن سوید»، «حمد بن محمد عن الحسين بن سعید عن محمد بن خالد عن ایوب بن الحر». (۳۴۵ و ۳۰) همچنین سندی در ثواب الاعمال «ابی عن محمد بن یحیی عن الحسين بن اسحاق عن علی بن مهزیار عن الحسين بن سعید عن محمد بن خالد عن ابی المغیره...» (باب ثواب من ترک الذنوب، ۱۳۴) ملاحظه این نکته که روایت از تلامیذ و مشایخ مشترک حسین بن سعید و محمد بن خالد است احتمال تصحیف «و» به «عن» را در ذهن تقویت می‌کند.

س - یحیی بن عمران حلبی

میراث حدیثی این راوی بزرگ شیعه که نجاشی او را با عبارت «ثقة ثقة صحيح الحدیث» در حد اعلاى پذیرش معرفی می‌کند به واسطه نضر بن سوید منتقل شده است. همچون نضر، طریق فهرست به او با عطف نام دو راوی بزرگ یعنی حسین بن سعید و محمد بن خالد برقی شناخته می‌شود. از مجموع ۱۲۰ روایت یحیی در کافی سهم حسین بن سعید ۵۷ روایت و سهم محمد بن خالد ۴۲ است که همگی به واسطه نضر بن سوید گزارش شده است. در محاسن نیز ۳۱ روایت برقی یحیی بن عمران به واسطه نضر بن سوید به چشم می‌خورد، اما در بصائر روایات حسین بن سعید بیشتر است و ۱۵ روایت دارد، در حالی که محمد برقی ۸ و مشترکاً ۵ روایت از یحیی به واسطه نضر بن سوید نقل کرده‌اند.

ش - حماد بن عیسی جهنی

مسیر اصلی انتقال تراث حماد بن عیسی به قم ابراهیم بن هاشم است. حماد بن عیسی که «كان ثقة في حدیثه صدوقاً» است ۵۷۲ روایت را به واسطه ابراهیم بن هاشم به قم منتقل کرده است. فضل بن شاذان با ۹۰ روایت، احمد اشعری ۴۲ روایت و علی بن مهزیار و محمد بن خالد با ۱۰ روایت در رتبه‌های بعدی جای دارند. گستره نقل روایات او در تهذیب نیز از الگویی مانند کافی پیروی می‌کند. این در حالی است که در محاسن و بصائر روال به گونه دیگری است. در محاسن محمد برقی با ۴۴ و احمد با ۱۲ روایت بیشترین حجم نقل روایات او را به خود اختصاص داده‌اند. در بصائر عباس بن عروف با ۲۸، حسین بن سعید با ۱۹ و محمد بن عیسی با ۷ روایت حجم عمده روایات حماد بن عیسی را نقل کرده‌اند. این در حالی است که جمیع احادیث و مصنفات عباس بن معروف را احمد بن خالد به فهرست ابن بطه رسانده است.

ص - عبدالرحمن بن ابی نجران

ایشان که گویا از نسل متأخر روایانی است که برقی کتابش را روایت کرده است، با عبارت بلند «ثقة ثقة معتمداً علی ما یرویه، له کتب کثیرة» در قله وثاقت قرار دارد. میراث او را بیشتر شاگردان برقی نقل کرده‌اند و تنها یک روایت از او در کتاب محاسن به

نقل برقی گزارش شده است. در کافی احمد اشعری با ۱۳۶ روایت، حسین بن سعید با ۳۱ روایت و احمد برقی ۲۸ روایت از عبدالرحمن دارند.

نتیجه

بررسی شرح حال راویان نشان می‌دهد محمد بن خالد در مسیر نقل میراث ثقات دیگری همچون قاسم بن برید بن معاویه عجلی، محمد بن مرزم بن حکیم، مطلب بن زیاد زهری، یوسف بن عقیل و ایوب بن حر جعفی نیز قرار دارد که به جهت حجم کم روایات جمع بندی و مقایسه را دشوار می‌سازد.

آمار راویان چهارده‌گانه فوق نشان می‌دهد:

الف) برقی از دو حیث مورد توجه بوده است یکی به جهت اعتماد بر طریقی که میراث راویان را منتقل کرده است و دیگری به جهت اخذ روایات و گنجاندن آن در مصادر اولیه و اصلی حدیث. گرچه در برخی موارد مثل مقایسه او با حسین بن سعید در روایات کتاب بصائر، اعتماد نقل از حسین بن سعید قوت می‌گیرد. گرچه این اعتماد می‌تواند معلول عوامل متعددی باشد.

ب) در این بررسی برجستگی شخصیت محمد بن خالد در کنار حسین بن سعید و ابراهیم بن هاشم به عنوان اصلی‌ترین مجاری انتقال میراث این بزرگان مشهود است.

ج) نیز این بررسی و جمع روایاتی که ایشان از ثقات ذکر شده دارد نشان می‌دهد، ادعای روایت از ضعفاء به معنای حجم گسترده روایت از ضعیفان و یا روایت از ضعفاء متعدد نیست و تنها می‌تواند معطوف به روایت او از راویان ضعیف انگشت شمار باشد که در قیاس با حجم روایت از ثقات قابل مقایسه نیست. بحث از این مسأله که روایت از ضعفاء طبق اندیشه‌ای خاص بوده گذشت.

۴-۳- حضور در منابع روایی شیعه

در مصادر مهم روایی شیعه حضور برقی به عنوان اندیشمندی کلامی - فقهی و اخلاقی قلمداد می‌شود. در این بخش به رصد روایات او در کتابهای کافی، محاسن، بصائر، آثار صدوق و تهذیب و استبصار می‌پردازیم و ضمن مقایسه آمار این منابع به

ترسیم جایگاه و شخصیت او نزد صاحبان مهم ترین منابع عقیدتی، فقهی و اخلاقی اولیه شیعه خواهیم پرداخت.

۴-۳-۱- روایات برقی در کافی

وی در ۵۴۴ سند از روایات کتاب شریف کافی حضور دارد. تفکیک روایات او در مجلدات کتاب به قرار جدول ۴ است.

جدول ۴

جلد	موضوع	تعداد روایت برقی	مجموع روایات	درصد
۱	توحید و حجت	۶۸	۱۴۸۸	۴/۶٪
۲	ایمان و کفر - العشره	۱۲۲	۲۳۵۳	۵/۱٪
۳ - ۷	فقه	۳۲۵	۱۱۰۴	۲/۹٪
۸	روضه	۲۹	۵۹۸	۴/۸٪

این آمار نشان می دهد اولاً گستره حضور او در عقاید، فقه و اخلاق منتشر است. ثانیاً مقایسه روایات عقیدتی او در بصائر و کافی از طرفی و روایات فقهی او در کافی و تهذیب از طرف دیگر آماری نزدیک به هم را به دست می دهد که بیانگر جایگاه خاص او در اندیشه های متنوع صاحبان آن دارد. اما در هر حال، چهره غالب او را می توان اخلاقی دانست. علی رغم آن که حضور او در کتاب التوحید و کتاب فضل العلم بسیار کم رنگ است، جمع آوری و دسته بندی این روایات نشان می دهد در اکثر عناوین مهم کتاب الحجه روایات او منعکس است.

۴-۳-۲- روایات برقی در محاسن^۱

می توان ادعا کرد بالغ بر ۲۵٪ روایات کتاب محاسن به نقل احمد از پدرش است. او در ۲۸۴ سند از مجموع ۱۰۷۱ روایت جلد اول محاسن حضور دارد که معادل ۲۶/۵۱٪ روایات آن را تشکیل می دهد. در جلد دوم نیز آمار به همین ترتیب است. حضور او در ابواب مختلف این مجلد در جدول ۵ آمده است.

۱. مقصود اجزائی از کتاب محاسن برقی است که تا زمان ما باقی مانده است.

جدول ۵

عنوان کتاب	تعداد کل روایات	تعداد روایات محمد برقی	درصد
العلل	۱۳۰	۹۱	٪۷۰
السفر	۳۹	۱۶۳	٪۲۳
المآكل	۱۰۱۱	۲۵۷	٪۲۵/۴۲
الماء	۱۱۹	۲۵	٪۲۱
المنافع	۳۳	۴	٪۱۲/۱۲
المرافق	۱۷۸	۴۴	٪۲۴/۷۱

از نقاط حائز توجه در این آمار حجم روایات در کتاب العلل است که می تواند متأثر از این نکته باشد که در زمره تألیفات محمد برقی عنوان «کتاب العلل» به چشم می خورد.

۴-۳-۳- روایات برقی در بصائر الدرجات

او مجموعاً در ۹۷ سند از روایات بصائر الدرجات صفار حضور دارد که از این بین ۱۰ روایت با عنوان محمد بن خالد، ۵ روایت با عناوین احمد یا احمد بن ابی عبدالله عن ابیه، و ۸۲ روایت با عنوان البرقی یافت می شود. با لحاظ عدد روایات کتاب بصائر که ۱۸۸۱ روایت معرفی شده آمار نقل روایات او در این کتاب به ۵/۱۵٪ می رسد.

۴-۳-۴- روایات برقی در آثار صدوق

اوج حضور برقی در میراث حدیثی شیعه در منابع مدرسه قم و به ویژه آثار صدوق است. حجم گسترده روایات او نه تنها از محمد بن خالد برقی بلکه خاندان او قابل توجه و اعتناست تا جایی که یکی از طرق قابل اعتنای ایشان به واسطه علی بن احمد بن عبدالله بن احمد بن ابی عبدالله برقی است که چهار نسل از این خاندان را دربرمی گیرد. شواهد نشان می دهد صدوق به دست احمد بن محمد دسترسی مستقیم داشته است و شرح برخی روایات در معانی الاخبار را به وی منتسب نموده است.

تعداد روایات برقی در تألیفات صدوق به قرار زیر است:

الامالی ۷۰ روایت، الخصال ۶۹ روایت، علل الشرایع ۳۸ روایت، معانی الاخبار ۳۴ روایت، التوحید ۲۸ روایت، ثواب الاعمال، ۲۸ روایت، کمال الدین و تمام النعمه ۱۸ روایت، عیون اخبار الرضا ۱۳۷ روایت. مجموع این ۲۹۸ روایت که غالباً به روایت فرزندش احمد در کتب صدوق انعکاس یافته، نشان اعتنای خاص صدوق به اوست.

او در طریق هفت راوی مهم و پر روایت مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه یعنی جابر بن یزید جعفی، محمد بن مسلم ثقفی، عبدالله بن ابی یعفور، فضیل بن یسار، حسن بن زیاد (صیقل)، عمرو بن شمر جعفی و صفوان بن مهران جمال حضور دارد. برقی تراث این بزرگان را از طریق پسرش احمد منتقل کرده است. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۴/۴۲۴، ۴۴۱، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۳۶) نیز در طریق راویان دیگری همچون ابوبصیر، حکم بن حکیم، اسماعیل بن رباح، سلیمان بن عمرو احمر، سعید نقاش، نعمان بن سعد، علی بن عبدالعزیز، ایوب بن حر، عبدالله بن حماد انصاری عمر بن قیس بن ماصر و اسماعیل بن مهران قرار دارد.^۱ علاوه بر این نام وی در ۱۰ روایت کتاب من لایحضره الفقیه به چشم می خورد که از جمله آن مکاتبه وی با امام جواد(ع) است.

احتساب روایات او و حضورش در مشیخه راویان پر روایت، عدد روایاتش در فقیه را بالغ بر ۴۲۰ روایت نشان می دهد.

۴-۴- نمایه روایات برقی در چند کتاب

یکی از مؤلفه های شناخت جایگاه راویان مطالعه پراکندگی روایات او در ابواب مختلف است. شخصیت محمد بن خالد برقی دارای ابعاد عقیدتی، فقهی و اخلاقی است و پراکندگی روایات او در بخش قبل مورد بررسی قرار گرفت. در قسمت پایانی مقاله به مطالعه انتشار روایات وی در کتاب بصائر، کافی و التوحید می پردازیم تا از رهگذر آن به مفاهیم و سرفصل هایی که او در حوزه عقاید در دو مصدر مهم روایی منتقل کرده آگاهی پیدا کنیم.

۱. تذکر یک نکته ضروری است: شمارش روایت بر حسب مشیخه صدوق و سلسله اسنادی است است که به راویان فوق ختم می شود و محمد بن خالد در آن جای گرفته و الا شمارگان روایات راویان فوق و حضور ایشان در دیگر طرق مشیخه آمار دیگری را به دست می دهد. نک: صدوق، من لایحضره الفقیه، ۴/۴۲۸، ۴۳۱، ۴۴۲، ۴۸۸، ۵۱۱، ۴۹۰، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۳۱، ۵۳۲.

مجموع روایت برقی در جلد اول کتاب کافی - بر حسب چاپ انتشارات اسلامیة - به عدد ۶۸ می‌رسد. پراکندگی این روایات به شرح زیر است:

ایمان و کفر یک روایت، کتاب العلم ۱۴ روایت، کتاب التوحید ۱۸ روایت و کتاب الحجج ۳۵ روایت.

مطالعه این روایات نشان می‌دهد که ایشان با نقل روایتی که تنها فاصله میان ایمان و کفر را کمی عقل می‌داند، (۲۸، ح ۳۳) حلقه وصل این کتاب را بیان کرده است. در کتاب فضل العلم ایشان درباره فضیلت علم آموزی، حق عالم، بذل علم، نکوهش علم بدون عمل، استعمال علم، منبع دریافت علم و نیز بدعت و قیاس و و لزوم پایبندی به سنت و شواهد کتاب روایت نقل کرده است. بی شک این مفاهیم عمده مطالب مطرح شده در این کتاب به شمار می‌رود. (ن.ک: ۳۲، ۳۷، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۹، ۵۹، ۶۹، ۷۰)

اما در کتاب التوحید وضع متفاوت است. ایشان علی رغم آنکه در بسیاری از ابواب روایت دارد اما در سه حیطة مهم مباحث توحیدی روایتی از ایشان نقل نشده است.

۱- ابوابی که ناظر به نفی تجسیم است اولین گروهی هستند که اثری از روایات محمد بن خالد در آن دیده نمی‌شود.^۱

۲- گروه دوم ابواب مرتبط با اسماء و صفات هستند.^۲

۳- آخرین گروه در مباحث عدل، خیر و شر، استطاعت و امر بین امرین از احادیث وی خالی است.

این در حالی است که در سایر مفاهیم اصلی همچون حدوث عالم، اطلاق شیء بر خداوند، نهی از کلام درباره کیفیت، مشیت و اراده و سعادت و شقاوت روایات او به چشم می‌خورد (نک: ۸۱، ۸۲، ۸۹، ۹۲، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴) و در باب «لایکون شیء فی السماء و الارض الا بسبب» حضور خاص و پررنگ او قابل توجه است.

بعید نیست آنچه به قمی‌ها در باب اعتقاد به رؤیت و جبر و تشبیه نسبت داده می‌شود، به جهت حضور کم رنگ برخی اصحاب در این ابواب باشد.

۱. این ابواب عبارتند از: ابطال رؤیت، لاتدرکه الابصار، نهی از صفتی غیر از آنچه خود را به آن خوانده است و نهی از جسم و صورت.

۲. صفات ذات، حدوث اسماء و معانی آن از جمله این ابواب است.

گسترده‌گی روایات برقی در کتاب الحجه کافی به ترتیبی است که نمی‌توان مجموعه‌ها و سرعنوان‌های اصلی بحث امامت را خالی از روایات وی یافت. از ابواب طبقات انبیاء و رسل و فرق میان رسول و نبی و محدث تا ابواب مقامات قرآنی و ولایت ائمه گرفته تا مؤلفه‌های شناخت جانشین و نص بر ایشان و شوون و جایگاه امام و روایات غیبت در میراث حدیثی او در کتاب الحجه کافی یافت می‌شود. (نک: ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۵۴، ۲۶۹، ۲۷۷، ۲۸۸، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۶۸، ۳۷۹، ۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۸، ۴۰۱، ۴۵۵) حضور پررنگ او در «باب فیه نکت و نتف من التنزیل فی الولاية» - که مشتمل بر روایات تأویلی آیات قرآن در حق اهل بیت: به خصوص امیرالمؤمنین (ع) است - (نک: ۴۱۱، ۴۱۷، ۴۲۲. مجموعاً هفت روایت) و کم روایتی او در ابواب «الاشارة و النص» - که تنها روایتی در نص بر امام صادق (ع) نقل کرده است - بر امامان از نکات حائز اهمیت در این بین است.

این گسترده‌گی با بسط قابل ملاحظه‌ای در کتاب بصائر نیز یافت می‌شود و برقی در ۷۹ باب از مجموع ۱۸۹ باب کتاب بصائر روایت دارد. این حجم بالغ بر ۴۱/۷۹٪ ابواب این کتاب را دربر می‌گیرد. چه آنکه به‌رقم احادیث او در ابواب ذکر شده متعدد است و در ابوابی همچون «ما عند الأئمة من سلاح رسول الله و آیات الأنبياء...» و «النوادر فی الأئمة و أعاجیبهم» بیشتر نیز هست.

در کتاب التوحید صدوق نیز روایات برقی بر نفی تشبیه و رؤیت و نیز تکیه بر حاشیه‌ای بودن استطاعت و روشن بودن استطاعت بندگان و خدایی بودن سرمنشأ آن به همراه تأکید بر حفظ مصلحت بندگان در تمام پیشامدهای زندگی از جانب خدا استوار گشته است.^۱

نتیجه‌گیری

انتشار احادیث محمد بن خالد برقی در آثار متعدد مدرسه قم و ابواب مختلف، حکایت از جایگاه خاص او در استحکام این مدرسه دارد. برقی توانسته است فصل

۱. نک: ابواب «التوحید و نفی التشبیه»، «ما جاء فی الرؤیة»، «الاستطاعة» و «ان الله تعالی لا یفعل بعباده الا الاصلح لهم».

جدیدی در نگاه مدرسه قم به روایات باز کند. او و فرزندش احمد، با نگاه نقادانه اما همراه با انصاف احادیث ضعفاء را دریافت و پالایش نموده‌اند، این در حالی است که اندیشه تحریم و حذف هر متهم به ضعف و غلو صبغه بزرگان و سردمداران قم به شمار می‌رود. رویکرد اصلی و غالب او مانند سایر بزرگان حدیث بر اعتماد و نقل میراث ثقات استوار گشته است. به اعتقاد ما مدرسه قم این گفتمان را پذیرفته است و نقل روایات ضعفاء به واسطه ثقاتی چون محمد بن خالد شاهد این مدعاست.

کتاب‌شناسی

- ۱- ابن داود، حسن بن علی بن داود حلی، *رجال ابن داود*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ه.ق.
- ۲- ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی، *معالم العلماء*، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۰ ه.ق.
- ۳- ابن غضائری، احمد بن حسین، *کتاب الضعفاء معروف به رجال ابن غضائری*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ه.ق.
- ۴- اردبیلی، محمد بن علی غروی، *جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد*، کتابخانه محمدی، بی‌تا.
- ۵- برقی، أحمد بن محمد بن خالد، *رجال البرقی*، تهران، دانشگاه تهران، اول، ۱۳۸۳ ه.ق.
- ۶- همو، المحاسن، تصحیح و تعلیق سید جلال الدین حسینی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۰ ه.ق.
- ۷- تستری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۲۵ ه.ق.
- ۸- تفرشی، سید مصطفی بن حسین، *نقد الرجال*، تحقیق مؤسسه آل‌البیت، قم، آل‌البیت، اول، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۹- حائری، ابوعلی محمد بن اسماعیل مازندرانی، *منتهی المقال*، قم، آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه.ق.
- ۱۰- حلی، حسن بن یوسف، *خلاصة الاقوال*، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ ه.ق.
- ۱۱- خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۱۲- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، (۱۳۷۶ ه.ش)، *الامالی*، تهران، کتابچی، ششم، ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۱۳- همو، *التوحید*، تحقیق سید هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸ ه.ق.
- ۱۴- همو، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، قم، دار الشریف الرضی، دوم، ۱۴۰۶ ه.ق.
- ۱۵- همو، *الخصال*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۳۶۲ ه.ش.

- ۱۶- همو، *علل الشرايع*، قم، داوری، اول، ۱۳۸۵ه.ش.
- ۱۷- همو، *عیون اخبار الرضا(ع)*، مهدی لاجوردی، تهران، جهان، اول، ۱۳۷۸ه.ق.
- ۱۸- همو، *کمال الدین و تمام النعمه*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۵ه.ق.
- ۱۹- همو، *معانی الاخبار*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۴۰۳ه.ق.
- ۲۰- همو، *من لا یحضره الفقیه*، علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۱۳ه.ق.
- ۲۱- صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، تحقیق میرزا حسن کوچه باغی، تهران، اعلامی، ۱۴۰۴ه.ق.
- ۲۲- طوسی، محمد بن حسن، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق میرداماد، قم، آل البيت، ۱۴۰۴ه.ق.
- ۲۳- همو، *تهذیب الاحکام*، تحقیق حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ه.ق.
- ۲۴- همو، *رجال الطوسی*، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ه.ق.
- ۲۵- همو، *الفهرست*، نجف، کتابخانه مرتضویه، بی تا.
- ۲۶- عاملی، حسن بن زین الدین، *منتقى الجمال*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۶ه.ق.
- ۲۷- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات علمیه، اول، ۱۳۸۰ه.ق.
- ۲۸- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق محمد آخوندی، علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ه.ق.
- ۲۹- کنی، ملا علی، *توضیح المقال فی علم الرجال*، تحقیق محمد حسین مولوی، قم، دارالحدیث، اول، ۱۳۷۹ه.ش.
- ۳۰- نجاشی، احمد بن علی، *فهرست مصنفی رجال الشیعه معروف به رجال نجاشی*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ه.ق.
- ۳۱- بحر العلوم، سید مهدی، *الفوائد الرجالیه*، تحقیق بحر العلوم، محمد صادق و حسین، تهران، کتابخانه الصادق، اول، ۱۳۶۳ه.ش.

